

عبرت از تحولات سوریه

سخنرانی دیروز رهبر معظم انقلاب جزو مهم‌ترین و برجسته‌ترین بیانات ایشان در دوران زعامت انقلاب اسلامی است. در شرایطی که ظاهر شرایط، نشان‌دهنده شکست جبهه مقاومت و پیشروی برنامه‌های رژیم‌صهیونیستی است و عناصر میدانی مقاومت یا دلبستگیان به آن تحت فشار طعنه‌ها و ملامت‌ها قرار دارند، ایشان در یک سخنرانی منظم، هدفمند و تبیینی، به شبهات و ابهاماتی پاسخ دادند که رسوب هر یک از آنها می‌تواند ناامیدی و ریزش‌های خسارت‌بار در اهل مقاومت به دنبال داشته باشد. رهبر انقلاب در این بیانات به ابهاماتی که این روزها از طرف طیفی از معاندان، مخالفان، مرجفون مطرح می‌شود، در هفت محور اصلی پاسخ دادند:

۱. ماهیت فتنه‌شام چیست؟ برخلاف عده‌ای که قصد دارند ماهیت تحولات سوریه و سقوط اسد را حرکتی طبیعی، درون‌زا و ناشی از اشکالات حکومت اسد نشان دهند، رهبر انقلاب ماهیت این پروژه را آمریکایی ـ اسرائیلی خواندند. از ترکیه نیز بدون اسم بردن و اکتفا به تعبیر «دولت همسایه سوریه» یاد کردند که در واقع پیمانکار پروژه آمریکایی ـ صهیونیستی است. البته این به معنی نبود اشکال در حکومت سوریه نیست؛ همچنان‌که رهبری در ادامه سخنان‌شان، ضعف و فرار ارتش را از جمله عواملی خواندند که باعث خنثی‌سازی امکان مقاومت شد.

۲. آیا جبهه مقاومت ضعیف شده است؟ توصیف رهبر انقلاب از وضعیت مقاومت پس از فشارها و ضرباتی که تحمل کرده، به مثابه تعبیری است که می‌گوید: «زخمی که تورا نکشد، قوی‌تر می‌کند». مقاومت در لبنان و غزه با وجود ضربات سختی که متحمل شد از پا ننشست. یک شاهد آشکار آن، توقیف حزب... لبنان در تحمیل آتش بس به رژیم صهیونیستی است.

۳. مادر سوریه چه می‌کردیم؟ پس از سقوط اسد، این شبهه به صورت وسیع در حال انتشار است که اساسا چرا ایران وارد معرکه سوریه شد و هزینه‌های مادی و انسانی پای حفظ رژیم ریخت که امروز فرو ریخته است. البته این صورت مساله به وضوح مغفله‌آمیز است، چرا که هدف جمهوری اسلامی ایران هیچ‌گاه حفظ شخص نبوده است. ایران از کمک به سوریه اهدافی داشته، که رهبر معظم انقلاب در بیانات خود به دو محور اصلی اشاره کردند: (اول) دوستان روزهای سخت: کمک ایران به سوریه در روزهای سخت، پاسخ به کمک آنها در روزهای سخت گذشته به ما بود. کمک دوستان به یک‌دیگر در روزهای سخت، به آنها اعتبار، آبرو و قدرت می‌دهد. (دوم) هدف مهم دیگر ایران از کمک به سوریه، تأمین امنیت ملی خود و حفاظت از اماکن مقدسه‌ای بود که خطوط قرمز عقیدتی مردم ایران هستند. نقطه کرد ابهام اقربنی‌های مغرضانه درباره مبنای حضور ایران در سوریه، هدف متغیر خطرناکی به نام داعش است.

۴. شکل حضور مادر سوریه چگونه بود؟ حضور نیروهای ایرانی در سوریه مقاطع مختلفی دارد. از مقطع صرفا مستشاری گرفته تا جان‌گرفتن داعش و اعزام محدود نیروها و پس از نابودی داعش نیز مجدداً بازگشت به حالت مستشاری اما نکته قابل توجه در همه این مقاطع این بود که ارتش سوریه که وظیفه دفاع از کشور و مقابل هر تهاجمی را برعهده داشت در میدان بود و دیگران چه فرماندهان ایرانی، چه نیروهای داوطلب از کشورهای دیگر و چه روسیه، به ارتش کمک می‌کردند. کمک‌ها البته طیف وسیعی داشت: فرماندهی، سازماندهی، تسلیحاتی و در مواقع ضروری، رزمی.

۵. چرا ایران به سوریه کمک ارسال نکرد و چرا در قضایای اخیر، نیروهای بیشتری از ایران اعزام نشدند؟ یک علت مهم، بسته شدن همه مسیرهای زمینی و هوایی سوریه به وسیله آمریکا و اسرائیل بود اما علت مهم‌تر، آن بود که رکن دفاع از کشور یعنی ارتش سوریه ناگهان طرف چن‌دروز تبخیر شد. اگر ارتش سوریه در میدان می‌ماند و همین تجهیزات که اسرائیل در چند شب گذشته، آنها را بمباران و نابود کرد برای مقابله با آمریکا و اسرائیل و باز کردن مسیرها به کار می‌گرفت، نتیجه دیگری رقم می‌خورد. رهبر معظم انقلاب در بخشی از سخنان‌شان مقایسه‌ای کردند بین روحیه فرماندهان دلیر و آماده جهاد سپاه و ارتش ایران با ارتش دچار فروپاشی سوریه. شاید این بخش از بیانات، تذکری نیز بود به افرادی که در روزهای اخیر اعمانه یا غافلانه، فرماندهان نیروهای مسلح را تضعیف و متهم به بی‌عملی یا نابلدی می‌کردند.

۶. آینده سوریه و منطقه چه خواهد شد؟ آینده در گرو جنگ اراده‌هاست. هدف و اراده رژیم صهیونیستی، توسعه اشغالگری و جایت و هدف آمریکا، محکم کردن جا پای خود در منطقه است. رهبر انقلاب با استناد به تجربه عراق، پیش‌بینی کردند که در سوریه نیز جوانان غیور، صحنه را تغییر خواهند داد.

۷. آیا تحولات منطقه به ناگزیری از انفعال و تسلیم دلالت می‌کند؟ رهبر معظم انقلاب هم غرور در وقت پیروزی و هم انفعال در زمان شکست را تقبیح کردند. البته اکنون مساله انفعال موضوعیت بیشتری دارد و برخی جریان‌های مایل به سازش که از هر واقعه‌ای به دنبال استخراج نسخه تسلیم هستند، در بجوبه اتفاقات اخیر نیز در حال ترویج این ایده و به اصطلاح رهبر معظم انقلاب، خالی کردن دل مردم هستند.

خبر

رئیس‌جمهور عصر دیروز در وزارت کشور در جلسه‌ای با حضور وزرای کشور، نفت، نیرو و صنعت، معدن و تجارت، معاونان ذی‌ربط و استاندار تهران در جریان آخرین وضعیت تولید و تأمین انرژی، مدیریت بهینه ناترازی‌ها و برنامه‌های مقابله با آلودگی هوادر کلانشهرها قرار گرفت. در این جلسه، رئیس‌جمهور توجه توأمان به بخش تولید و مصارف خانگی، لزوم صرفه‌جویی در مصرف و تأمین ذخایر به‌ویژه برای

جلسه ویژه رئیس‌جمهور ووزرا درباره ناترازی

روزهای سرد را مورد تأکید قرار داد و مدیران دستگاه‌های ذی‌ربط را به مدیریت هوشمندانه تولید و مصرف توصیه کرد. مسئولان مربوطه نیز در این جلسه گزارش‌هایی از آخرین وضعیت تولید و تأمین انرژی و راهکارهای مدیریت ناترازی‌های موجود و مراقبت از سلامت مردم در شرایط آلودگی هوا ارائه کردند. رئیس‌جمهور در این جلسه با اشاره به ریشه‌های به وجود آمدن ناترازی انرژی اظهار کرد: با

آسب‌شناسی صورت‌گرفته، تولید انرژی پاک در دستور کار قرار گرفته و بنده شخصا روند اجرای این برنامه را پیگیری خواهم کرد و از مسئولان اجرای طرح می‌خواهم که هر جا مانع یا مشکلی پیش‌روی آن بود، موضوع را به شکل مستقیم با بنده مطرح کنند. پزشک‌یکان همه‌مصرف‌کنندگان در بخش‌های مختلف را به رعایت حداکثری راهکارهای صرفه‌جویی، برای تأمین پایدار انرژی مورد نیاز دعوت کرد.

نامه انگلیس، فرانسه و آلمان به شورای امنیت جدیدترین اقدام خصمانه این ۳ کشور اروپایی علیه ایران است

بازگشت اروپا به دور باطل تهدید



چشمانش را روی تعاملات تجاری خود با غرب به واسطه عدم امکان استفاده از سیستم انتقال پول بین بانکی سوئیف‌ت و همین‌طور عدم امکان استفاده از دلار بسته است و اقتصاد ایران راه خود را از ساختارهایی که غرب به دنبال تحمیل آن بر سایر ملل است، جدا کرده، در این میان اروپایی‌ها که ظاهرا روی توانایی خود در مدیریت تنش‌ها دچار خطای محاسباتی شده و خود را دست بالا گرفته‌اند، از چندی پیش

علیه این رژیم، امیدوار است دوباره از ایران هسته‌ای تهدید‌نمایی کند. به زبان دیگر هدف، کشاندن ایران به صدراخبار است تا افکار عمومی جهان از جنایتکاری‌های صهیونیست‌ها منحرف شود.

روای دیر هنگام اروپا برای پیوستن به فشار حداکثری

واقعتی صحنه این است که ایران مدت‌هاست

برش

پاسخ ایران به گروسی

مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در جریان سخنرانی اخیر خود در مراسم اهدای جایزه نوبل با اشاره به تشدید تقابل بین ایران و رژیم صهیونیستی، به بعد هسته‌ای نیز اشاره کرد و گفت: در یک سو وجود فرض شده سلاح هسته‌ای مطرح است و در سوی دیگر خطر اشاعه سلاح‌های هسته‌ای.

وی همچنین گفت: سطح غنی‌سازی ایران به درجه‌ای رسیده که توجیه آن سخت است. معاون حقوقی و بین‌المللی وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران در واکنش به این اظهارات روز پنجشنبه با انتشار پیامی در صفحه اجتماعی خود در شبکه ایکس و در واکنش به اظهارات اخیر رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تأکید کرد: این‌که مدیرکل آژانس برای اولین بار به وجود سلاح‌های هسته‌ای در رژیم صهیونیستی اقرار کرده، موضوعی قابل توجه و مهم است.

یادداشت

جواد منصوری / تحلیلگر روابط بین‌الملل

زیاده‌خواهی اروپا ریشه تاریخی دارد

روابط ایران و اروپای دو قرن گذشته فراز و نشیب‌های زیادی داشته و مهم‌ترین محور تعیین‌کننده نوع روابط و برخورد‌ها طی دو قرن گذشته، میزان رضایت کشورهای غربی از عملکرد ایران به نفع اروپا بوده است. به عبارت دیگر، هرگاه ایران به‌هرشکلی در راستای منافع اروپاییان عمل کرده، مستقیم و غیرمستقیم مورد حمایت قرار گرفته است و اگر رفتار مواضع ایران در راستای منافع‌شان نبوده کشورمان را تحت فشار قرار دادند تا جایی که حتی در سال ۱۳۲۰ ایران را اشغال می‌کنند. اشغال ایران در سال ۱۳۲۰ دقیقا به‌خاطر این بود که اروپایی‌ها عنوان می‌کردند چرا ایران در راستای منافع ما و آنچه‌که ما می‌گوییم، عمل نمی‌کند. بنابراین مساله اصلی در این نکته نهفته است که اروپایی‌ها همچنان دخالت در ایران و تسلط بر منافع کشورمان را جزو حقوق طبیعی خودشان و تعیین‌کننده روابط ایران و منطقه می‌دانند و به هیچ‌وجه نمی‌خواهند بپذیرند که جمهوری اسلامی از توانمندی در حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، نظامی و هسته‌ای برخوردار باشد. این یک واقعیت مسلم است و هنوز هم تغییر نکرده است. زیرا که اروپاییان همان رفتاری را از خود بروز می‌دهند که در قرون ۱۷ و ۱۸ از آنها دیده می‌شد. بنابراین با ایران یک رفتار مستبدانه، زیاده‌خواهانه و استعماری دارند. نکته دیگر این‌که تحولات منطقه غرب آسیا به‌گونه‌ای است که اروپا احساس می‌کند در درازمدت نمی‌تواند نقش‌آفرین باشد، زیرا محور مقاومت، ایران و کشورهای پیرامونی به‌گونه‌ای عمل

با ادعای کمک موشکی ایران به روسیه در جنگ اوکراین، سلسله‌ای از تحریم‌ها علیه صنعت هوایی و کشتیرانی ماب‌ه راه انداختند و ذیل بیانیه کشورهای عربی مبنی بر ادعای امارات علیه جزایر سگانه ایرانی را امضا کردند و در نهایت در شورای حکام آژانس بین‌المللی اتمی، قطعنامه‌ای در محکومیت ایران به تصویب رساندند تا نشان داده دهند اروپا با چشمانی بسته در حال رویاپردازی برای مشارکت دیر هنگام در فشار حداکثری ترامپ علیه ایران است. این در حالی است که در خود آمریکا و حتی در دولت ترامپ هم بازگشت به فشار حداکثری، محل منازعه و مناقشه است. در همین رابطه نشریه هیل نزدیک به کنگره آمریکا در تحلیلی به قلم جیمز دورسو، تحلیلگر مسائل خارجی به دلایل متعددی اشاره کرده که چرا فشار حداکثری در دوره دوم دونالد ترامپ علیه ایران کار ساز نخواهد بود.

نگارنده این مقاله، دلایل متعددی برای بی‌نتیجه ماندن اتخاذ دوباره فشار حداکثری علیه ایران را فهرست کرده است؛ وی با اشاره به دلایلی چون حمایت آمریکا از جنگ‌های اسرائیل علیه مردم فلسطین و لبنان، از بین رفتن حمایت‌ها از اقدامات آمریکا و ترس از این‌که فشار حداکثری به تشدید تنش‌های منطقه‌ای ختم می‌شود، نزدیک شدن روابط عربستان و ایران از سال ۲۰۲۳، افزایش مراودات تجاری میان تهران- ابوظبی، دیدار رو در روی سران امارات متحده عربی و ایران در ماه اکتبر و همین‌طور گسترش دادن پیوندهای اقتصادی ایران و قطر، تغییر وضعیت بازار نفت نسبت به سال ۲۰۱۸ و افزایش صادرات نفت ایران، افزایش شبکه ایران برای دور زدن تحریم‌ها، ریختن ترس خریداران نفت ایران از تحریم، آمادگی مسعود پزشک‌بان برای تقویت روابط ایران با کشورهای همسایه، تقویت افزایش تاب‌آوری ایران در پی توافق همکاری جامع راهبردی با چین و قرار سرمایه‌گذاری ۴۰۰ میلیارد دلاری بکن در صنایع مخالف ایران، بالاتر رفتن سطح همکاری ایران با روسیه هم در بخش نظامی و هم در بخش غیرنظامی و بی‌علاقگی ترامپ نسبت به آغاز جنگ با ایران از آن‌جا که از آثار چنین اقدامی بر اقتصاد آمریکا آگاه است، در نهایت تأکید کرده است که «فشار حداکثری» شعار است و راهبرد نیست.